



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

Analysis of the mental agent of the crime (Indirect Perpetrator) and its comparison with similar cases with a view of Lebanese law

Hassan Poorbafrani¹

1. Associate Prof., Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 25 Feb 2025

Received in revised form 22 Mar 2025

Accepted 21 May 2025

Available online 31 Des 2025

Keywords:

Mental agent (perpetration- by- means or Indirect perpetrator), Perpetrator, The cause is stronger than the perpetrator, Incitement, accessory.

There is a difference of opinion about the concept of the mental agent of the crime in Iranian law. Some have limited it to cases where the mental agent of the crime commits it by inciting another responsible person. In this concept, although inciting a person to commit a crime is the same as being an accessory to a crime, but due to the dangerousness of such an inciter and the deserving of a greater punishment than an accessory to the crime, the legislator has considered her punishment to be the same as the punishment of the main perpetrator. Some others, like most Arab jurists, including Lebanese jurists, consider the mental agent of the crime to be the “cause stronger than the perpetrator” and some consider it to include both of the previous cases. The question of this research is, firstly, which one of these theories is correct, and secondly, which one is suitable for Iran’s criminal justice system? In this research, which was done with descriptive, analytical and comparative method, this hypothesis has been strengthened that “mental agent of crime” is a concept taken from customary law and it should not be confused with the independent jurisprudential system of “cause stronger than the perpetrator”. Therefore, the nature of the mental agent of the crime is the commission of the crime by inciting the responsible persons to commit it, the punishment of which is determined outside the rules of accessory to the crime due to the special text.

Cite this article: Poorbafrani, Hassan. (2025). Analysis of the mental agent of the crime and its comparison with similar cases with a view of Lebanese law. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 3 (4), 1- 19. <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2049117.1076>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2049117.1076>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

تحلیل مباشرت معنوی و مقایسه آن با نهادهای مشابه با نگاهی به حقوق لبنان

حسن پوربافرانی^۱

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

در مورد مفهوم مباشرت معنوی در حقوق ایران اختلاف نظر است. گروهی آن را به مواردی محدود کرده‌اند که مباشرت معنوی، جرم را از طریق تحریک انسان مسئول دیگری انجام دهد. در این مفهوم، هر چند تحریک دیگری به ارتکاب جرم ماهیتاً همان معاونت در جرم است ولی مقنن به جهت خطرناکی چنین محرکی و استحقاق مجازات بیشتر وی نسبت به معاون جرم، مجازات او را هم‌سنگ با مجازات مباشر مادی در نظر گرفته است. برخی دیگر، بسان بیشتر حقوق دانان عرب از جمله حقوق دانان لبنانی، نهاد مباشرت معنوی را همان نهاد «سبب اقوای از مباشر» در نظر گرفته و برخی هم آن را اعم از سبب اقوای از مباشر دانسته‌اند. سؤال این پژوهش این است که اولاً کدام یک از این نظریات درست است و ثانیاً گزینش کدام متناسب با نظام حقوق کیفری ایران است؟ در این پژوهش که با روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی انجام شده، این فرضیه تقویت گردیده است که مباشرت معنوی مفهومی متخذ از حقوق عرفی است و نباید آن را با نهاد مستقل فقهی سبب اقوای از مباشر خلط کرد. بر این اساس ماهیت مباشرت معنوی همان ارتکاب جرم از طریق تحریک افراد مسئول به ارتکاب آن است که به جهت نص خاص، مجازات آن خارج از قواعد معاونت در جرم و مساوی با مباشر مادی تعیین شده است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

کلیدواژه‌ها:

مباشر معنوی،

مباشر مادی،

سبب اقوای از مباشر،

تحریک،

معاونت در جرم.

استناد: پوربافرانی، حسن (۱۴۰۴). تحلیل مباشرت معنوی و مقایسه آن با نهادهای مشابه با نگاهی به حقوق لبنان. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای*

اسلامی، ۳ (۴)، ۱۹-۱.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2049117.1076>

© نویسندهگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

یک جرم به شکل‌های مختلفی قابل انجام است. گاهی به صورت مستقیم و بی‌هیچ واسطه‌ای انجام می‌شود (مباشرت)؛ گاهی مجرم به ابزاری برای ارتکاب آن نظیر سم یا چاه یا جریان الکتریسیته برای کشتن دیگری متوسل می‌شود (تسبیب)؛ گاهی فقط تحریک به ارتکاب آن می‌کند یا وسیله‌ای برای ارتکاب آن به مباشر می‌دهد و دخالتی در عملیات اجرایی جرم ندارد (معاونت در جرم)، گاهی چند نفر مستقیماً عملیات اجرایی جرم را مشترکاً انجام می‌دهند (شرکت در جرم). در کنار این نهادها که مفهومی روشن دارند، نهاد دیگری هم در کتب حقوقی مطرح می‌شود که از آن با عنوان مباشر معنوی یا فاعل معنوی یاد می‌شود. به عکس دیگر روش‌های مداخله در ارتکاب جرم در مورد مفهوم و مصادیق این نهاد در بین حقوق‌دانان ایرانی به شدت اختلاف نظر است. در مفهومی مضیق از مباشرت معنوی گفته می‌شود که مباشر معنوی کسی است که دخالتی در عملیات اجرایی جرم ندارد و نظیر معاون، جرم را از طریق تحریک دیگران انجام می‌دهد (و بر این اساس) قاعدتاً باید مجازات معاون جرم بر او تحمیل شود ولی مقنن به جهت خطرناکی‌اش، مجازات او را در مواد قانونی خاص و خارج از قواعد معاونت، همسان با مجازات مباشر مادی تعیین کرده است، مانند کاری که مقنن در ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ با به‌کارگیری کلمات «هر کس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود... گواهی پزشکی به اسم طیب جعل کند...» کرده است. یا کاری که در ماده ۶۲۱ همین قانون با به‌کارگیری کلمات «هر کس... شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند»، انجام داده است؛ اما در مفهومی دیگر گفته می‌شود که مباشر معنوی همان سبب اقوای از مباشر است (دیدگاه این‌همانی مباشرت معنوی و سبب اقوای از مباشر) و در دیدگاه سوم با توسعه قلمرو مباشرت معنوی گفته می‌شود که مباشر معنوی علاوه بر آنچه در مفهوم مضیق گفته شد، موارد سبب اقوای از مباشر را هم شامل می‌شود (نظریه اعم بودن مباشرت معنوی از سبب اقوای از مباشر). سؤال مهم و نخست این است که کدام‌یک از این نظریات درست است و به عبارت دیگر مفهوم دقیق مباشرت معنوی چیست؟ سؤال دوم هم آن است که کدام‌یک از این نظریات اقتضای حقوق کیفری ایران و متناسب با سایر اجزای نظام حقوقی است؟ طبیعی است به سؤال‌های مترادف و فرعی‌تری هم در مقاله پاسخ داده می‌شود مانند اینکه: آیا مباشرت معنوی در حقوق ایران را می‌توان «نهادی مستقل و دارای احکام و نظام ویژه» دانست یا باید آن را «همان نهاد سبب اقوای از مباشر» حساب کرده یا آن را «دارای وجه مشترک با نهاد سبب اقوای از مباشر ولی اعم از آن» دانست؟ هرچند در خصوص مفهوم و مصادیق مباشرت معنوی در آثار نویسندگان ایرانی (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۹۲؛ الهام و برهانی، ۱۳۹۴: ۳۰۰؛ محسنی، ۱۳۷۶: ۵۰-۴۸) و خارجی (کانن، ۱۳۹۹: ۱۰۷؛ استفانی و دیگران، ۱۳۶۷: ۱۰۷؛ نجیب حسنی، ۱۹۸۴: ۵۷۴؛ قهوجی، ۲۰۰۸: ۵۰۱-۵۰۰؛ عبدالمنعم، ۲۰۳۳: ۶۳۹-۶۳۸) بحث شده اما مباحث مطرح شده بدون تفکیک مرزهای این نهاد با مفاهیم مشابه بخصوص نهاد سبب اقوای از مباشر و در حد کتب آموزشی درسی است که بعضاً سطحی و با درهم‌آمیختگی نهاد مباشرت معنوی با نهادهای مشابه و بخصوص سبب اقوای از مباشر است در حالی که این مقاله در صدد تحلیل مبانی بحث و تفکیک قلمرو دقیق و شناسایی ماهیت مستقل مباشرت معنوی است و از این حیث امری بدیع در ادبیات حقوق کیفری ایران به شمار می‌آید. از آنجا که برخی از حقوق‌دانان برای توجیه دیدگاه دوم و سوم به مطالب حقوق‌دانان عرب و عمدتاً لبنانی استناد کرده و ضروری بود تا برای تقویت فرضیه مقاله، نظریات حقوق‌دانان عرب و قوانین کشورهای عربی نیز ملاحظه گردد، در این مقاله، مروری بر نظریات حقوق‌دانان عرب و قانون کیفری برخی کشورهای عربی هم خواهیم داشت. بخصوص

که در قوانین مجازات برخی از این کشورها مثلاً عراق در موارد متعددی نظیر مواد ۲۰۹، ۲۷۳، ۲۸۱، ۲۹۷، ۳۸۲ و ۳۸۳ از واژگانی شبیه آنچه در مواد ۲۳۸ و ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی استفاده شده، بهره گرفته شده است: «بنفسه او به واسطه غیره». باری با تبیین این دیدگاه‌ها و ارتباط آن با سایر نهادهای موجود در نظام حقوقی آن‌ها مشخص خواهد شد که نظر اتخاذی آن‌ها، اقتضای نظام حقوقی آن‌ها بوده و بر این اساس الزاماً دیدگاه آن‌ها متناسب با نظام حقوقی ایران نیست و در نظام حقوقی ایران برای پر کردن خلأ‌حالاتی که نقش معاون پررنگ‌تر از حالات متعارف معاونت است که در عین حال منطبق با سبب اقوای از مباشر نیز نیست، به کار گرفتن نهاد مباشرت معنوی کارساز، مفید و بازدارنده است. در ادامه برای یافتن پاسخ سؤالات پژوهشی بالا ابتدا مفهوم مضیق مباشرت معنوی بررسی شده (بند ۱)، سپس به بررسی دیدگاه این‌همانی مباشرت معنوی و سبب اقوای پرداخته (بند ۲) و در بحث سوم هم اشاره مختصری به دیدگاه اعم بودن مباشرت معنوی از سبب اقوای از مباشر می‌شود (بند ۳) و نهایتاً دلایل نظریه مختار مبنی بر استقلال نهاد مباشرت معنوی از مفاهیم تبیین می‌گردد (بند ۴).

۱. مفهوم مضیق مباشرت معنوی

در این مفهوم مباشرت معنوی عبارت است از: «ارتکاب جرم از طریق تحریک دیگران به ارتکاب آن». توضیح بیشتر اینکه مباشرت معنوی در این مفهوم، رفتار کسی است که فکر ارتکاب جرم برای اولین بار در ذهن او نقش بسته ولی بنا به هر دلیلی از جمله ناشناخته ماندن، فرار از تعقیب یا ناتوانی در ارتکاب جرم، با تحریک یا تطمیع دیگران به ارتکاب آن به خواسته خود نائل می‌شود. در این صورت هرچند رد پای او در عملیات اجرایی جرم مشاهده نمی‌شود ولی جرم هم ثمره فکر مجرمانه او و در راستای تحقق منویات اوست. به تعبیر برخی حقوق دانان «فاعل معنوی در برابر فاعل مادی، کسی است که جرم را توسط دیگری مرتکب شود. به سخن دیگر کسی که با داشتن اقتدار خواه در عمل و خواه به موجب قانون، جرم را بی‌آنکه مادتهاً در ارتکاب آن مداخله کند، واقع سازد. فاعل معنوی را باید نسبت به فاعل مادی که بازوهای اجرایی جرم محسوب می‌شود، مغز اندیشنده به شمار آورد و به همان اندازه از رفتار او بیمناک بود. به همین دلیل در ارتکاب بعضی از جرائم، قانون‌گذار تفاوتی [از حیث مجازات] میان فاعل مادی و معنوی قائل نشده و هر دو را به یک میزان مسئول شناخته است» (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۹۲). حتی به نظر می‌رسد که خطر مباشرت معنوی بیشتر از مباشر مادی است؛ زیرا اوست که خواستار جرم است و ارتکاب آن دغدغه ذهنی اوست و اگر فکر مجرمانه و پول یا مقام یا موقعیت او نبود، هیچ‌گاه مباشر مادی، جرم را برای او انجام نمی‌داد. مضافاً که فکر ارتکاب جرم همواره نزد مباشر معنوی است و اگر هم موفق به جذب فرد خاصی برای ارتکاب آن نشود، بالاخره کسی را می‌یابد که از طریق او و به تعبیر مقنن در مواد ۵۳۸ و ۶۲۱ ق.م.ا ۱۳۷۵، «توسط او» به خواست خویش جامه عمل بپوشاند. باری، در این مفهوم (مضیق) که در ادبیات حقوق کیفری فرانسه (کانن، ۱۳۹۹: ۱۰۷؛ استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۹۹) و ایران (علی‌آبادی، ۱۳۷۳: ۲۶۹-۲۶۸؛ پوربافرانی، ۱۴۰۲: ۲۵۲؛ حمیدی، ۱۳۵۱: ۱۰۷؛ زاهدی، ۱۳۵۱: ۵۷-۵۵؛ الهام و برهانی، ۱۳۹۴: ۳۰۰) هم دارای سابقه و پشتوانه است، مباشرت معنوی ماهیتاً همان معاونت در جرم و به عبارت دقیق‌تر مصداق خاص «تحریک» (بند الف ماده ۱۲۶ ق.م.ا ۱۳۹۲) است که مقنن در مواد خاصی به جهت خطرناکی آن، آن را هم‌سنگ مباشر مادی مجازات می‌کند و اگر این مواد خاص نبود، محرک یعنی همان مباشر معنوی، معاون محسوب و به مجازات معاونت در جرم که کمتر از مجازات مباشر است، محکوم می‌گشت؛ مانند مجرم موضوع ماده

۵۳۸ ق.م.ا. ۱۳۷۵ یعنی کسی که جرم جعل گواهی پزشکی را «توسط دیگری» انجام می‌دهد: «هرکس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام‌وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه، گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تا یک سال یا به سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد». بدیهی است یکی از طرق ارتکاب جرم توسط دیگری، تحریک دیگری به ارتکاب آن است؛ اما تفاوت آن با معاونت در جرم هم آن است که مقنن، تحریک‌کننده در این جرائم خاص را از ذیل معاونت خارج کرده و او را دارای مجازات یکسان با مباشر می‌داند. در این مثال، شخصی که جرم جعل گواهی پزشکی را «توسط دیگری» که تبصره در جعل گواهی پزشکی دارد، انجام می‌دهد، دقیقاً از حیث مجازات مانند همان فردی است که آن را «شخصاً» جعل می‌کند (مباشر مادی). بدیهی است اگر در این ماده بسان اغلب مواد دیگر، به جای عبارت «توسط دیگری»، گفته شده بود: «هر کس برای معافیت خود یا شخص دیگری... گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند...»، چیزی به عنوان مباشر معنوی هم وجود نداشت و اگر الف از ب می‌خواست که آن را جعل کند، ب مباشر و الف معاون (نه مباشر معنوی) بود. به همین جهت ماهیت حقوقی مباشرت معنوی، همان معاونت در جرم از طریق واداشتن دیگران به ارتکاب آن است. نکته دقیقی که قابل استنباط از این ماده است و ضعف دیدگاه «این‌همانی مباشرت معنوی و سبب اقوای از مباشر» را هم نشان داده و هم‌زمان مرز دقیق مباشرت معنوی و نهاد سبب اقوای از مباشر را آشکار می‌سازد، آن است که در نهاد سبب اقوای از مباشر، مباشر به عکس سبب، شخص فاقد مسئولیت کیفری یا دارای حسن نیت است که دست‌کم تصور چنین حالتی در مورد این ماده مشکل است؛ زیرا در این ماده، برعکس موارد سبب اقوای از مباشر، اصولاً مباشر مادی یعنی کسی که «شخصاً» و به درخواست محرک یا مباشر معنوی، مبادرت به جعل گواهی پزشکی می‌کند، نه غیرمسئول (مانند صغیر و مجنون) است و نه جاهل به ارتکاب جرم؛ زیرا اصولاً ممکن نیست شخصی، جرم موضوع ماده ۵۳۸ را که ارتکاب آن تبصره خاصی را می‌طلبد «توسط جاهل، صغیر غیر ممیز و مجنون» انجام دهد و افراد صغیر غیر ممیز و مجنون اصولاً توانایی جعل گواهی پزشکی که مهارت خاص می‌طلبد را ندارند؛ جاهل هم به فرض جهل، هنگام جعل خط و امضای پزشک، عالم به موضوع می‌شود. بر همین اساس است که همان‌طور که در ادامه مطرح خواهد شد، باید قائل به ماهیت مستقل این دو نهاد (نهاد مباشرت معنوی و نهاد سبب اقوای از مباشر) از یکدیگر بود.

مثال‌های دیگری که صاحبان دیدگاه مفهوم مضیق مباشرت معنوی برای ذکر کرده‌اند، مواد ۶۲۱ و بند ۲ ماده ۶۴۰ ق.م.ا. ۱۳۷۵ است. طبق ماده ۶۲۱ ق.م.ا. ۱۳۷۵ اصلاحی ۱۳۹۹: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر، شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج محکوم خواهد شد...». همچنین طبق بند ۲ ماده ۶۴۰ ق.م.ا. ۱۳۷۵: «هرکس اشیاء مذکور را به منظور اهداف فوق شخصاً یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند...». همان‌طور که در متن مواد قانونی مذکور مشاهده می‌شود، اگر کلمات «شخصاً یا توسط دیگری» که حاکی از مباشرت معنوی است، وجود نداشت، محرک به ارتکاب جرم، مصداق بند الف ماده ۱۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲^۱ یعنی معاون جرم بود. به تعبیر یکی از نویسندگان: «در مواد فوق ۱- طبق ماده ۱۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دیسسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد...».

قانون‌گذار با ذکر جمله «هر کس شخصاً یا توسط دیگری» مفاهیم محرک جرم و فاعل اصلی را با هم درآمیخته و بالتیجه امر و مباشر جرم را با یکدیگر در ردیف هم قرار داده و نسبت به هر دو نفر قائل به مجازات [یکسان] شده است» (حمیدی، ۱۳۵۱: ۱۰۸).

مطلب پایانی در توضیح مفهوم مضیق مباشرت معنوی هم آن است که مصادیق آن جنبه استثنایی داشته و نیاز به تصریح مقنن دارد؛ به عبارت دیگر وقتی جرمی با تحریک دیگران به ارتکاب آن واقع می‌شود، اصل بر تحقق معاونت در جرم است مگر این‌که با تصریح مقنن و ذکر عباراتی که در مواد بالا ذکر شد، مقنن مجازات یکسانی را برای مباشر مادی و معنوی در نظر گرفته باشد؛ بنابراین در قوانین لازم‌الاجرای فعلی، مباشرت معنوی در همه جرائم مانند قتل، اختلاس، ارتشا، سرقت، تخریب یا کلاهبرداری رخ نمی‌دهد و فقط در موارد معدود تصریح شده توسط مقنن قابلیت ارتکاب دارد. در نتیجه اگر شخصی، دیگری را تحریک به قتل یا تخریب یا کلاهبرداری کرده و این جرائم را از طریق او انجام دهد، فقط مصداق معاونت در این جرائم خواهد بود؛ زیرا در مواد مربوط به این جرائم گفته نشده «هر کس شخصاً (مباشر مادی) یا از طریق دیگری (مباشر معنوی) مرتکب قتل یا سرقت یا تخریب یا کلاهبرداری شد، به فلان مجازات محکوم می‌شود.» در مواد مربوط به این جرائم گفته شده «هر کس (مباشر مادی) مرتکب تخریب شد، به مجازات... محکوم می‌شود.» بدیهی است اگر کسی هم نسبت به این جرائم تحریک کرد شامل عموماً معاونت در جرم (بند الف ماده ۱۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲) خواهد بود.

۲. دیدگاه این‌همانی مباشرت معنوی و سبب اقوای از مباشر

برخی نویسندگان ایرانی بسان حقوق‌دانان عرب‌زبان که در زمره صاحبان دیدگاه این‌همانی مباشرت معنوی و سبب اقوای از مباشر قرار می‌گیرند، معتقدند که: «مباشرت معنوی در جایی رخ می‌دهد که یک عامل انسانی با بهره‌گیری از عامل انسانی دیگر که فاقد مسئولیت است یا از حسن نیت برخوردار است، رفتار مجرمانه را واقع سازد... در مباشرت معنوی، مرتکب اجزا و شرایط مادی جرم را رأساً و به‌طور مستقیم به وجود نمی‌آورد بلکه به‌واسطه کسی که از حسن نیت برخوردار است و یا فاقد مسئولیت کیفری است، آن‌ها را به انجام می‌رساند» (منصورآبادی، ۱۳۹۶، ۲۴-۲۳). ایشان در جایی دیگر در همین کتاب گفته‌اند: «نظریه مباشرت معنوی در حقوق کیفری ما همان نظریه اقوا بودن سبب در اجتماع سبب و مباشر است» (منصورآبادی، ۱۳۹۶، ۲۶). باری، برای تبیین و بررسی صحت و سقم این دیدگاه و همخوانی آن با نظام حقوق کیفری ایران و کارایی آن لازم است ابتدا مختصری راجع به مفهوم سبب اقوای از مباشر بحث شده و سپس دیدگاه نویسندگان و سایر معتقدان به این دیدگاه تبیین گردد و نهایتاً این دیدگاه مورد نقادی قرار می‌گیرد:

۲-۱. در آمدی بر مفهوم سبب اقوای از مباشر و جایگاه آن در فقه و قانون مدنی

مفهوم «نهاد سبب اقوای از مباشر» یک نهاد کاملاً فقهی است. به تعبیر محقق حلی در شرایع الاسلام: «در صورت اجتماع سبب و مباشر، مباشر ضامن است مانند ضمان کسی که دیگری را درون چاهی انداخته (مباشر) نسبت به حفرکننده چاه (مسبب) یا کسی که دیگری را کشته (مباشر) نسبت به نگهدارنده مجنی‌علیه (مسبک و مسبب) یا پرتاب‌کننده منجنیق (مباشر) نسبت به کسی که سنگ داخل آن گذاشته است (مسبب)؛ اما اگر مباشر نسبت به سبب جاهل باشد، مسبب ضامن است» (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۲۵۷؛ نیز نجفی، ۱۳۶۷: ۱۴۵). فقیه دیگری هم گفته

است: «اگر سبب اقوای از مباشر باشد، ضامن است مانند اینکه به فردی نوشیدنی مسموم دهد و او بخورد و بمیرد یا شهادت دروغ به انجام سرقت یا زنای کسی دهد و حاکم به استناد آن شهادت (در سرقت موجب حد) دست دزد را قطع کند یا (در زنای به عنف) او را بکشد و بعد دروغ بودن شهادت ثابت شود... همچنین است در اقسام دیگر جهل، فریب یا اکراه مباشر» (حسینی شیرازی، ۱۹۸۸: ۲۲۴). باری، با توجه به اینکه این قواعد، خاص مباحث قصاص و دیات نیست و در مباحث غصب (ضمان قهری) کتب فقهی هم به وفور بحث شده (نجفی ۱۳۶۷: ۱۴۵) برای اولین بار در نظام حقوقی ایران بحث نهاد سبب اقوای از مباشر به قانون مدنی و ذیل ماده ۳۳۲ قانون مدنی راه یافت که به موجب آن: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد». این مباحث فقهی بعد از انقلاب اسلامی نیز ابتدا در ماده ۷۰ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ وارد گردید که به موجب آن: «هرگاه در صورت دخالت سبب و مباشر در ارتکاب جنایت، تأثیر سبب بیشتر از تأثیر مباشر باشد، فقط سبب وقوع جنایت ضامن خواهد بود». سپس این قاعده وارد قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ گردید که به موجب آن: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوای از مباشر باشد». البته این دو قانون امروزه با ماده ۵۲۶ قانون مجازات ۱۳۹۲ منسوخ شده‌اند ولی اصل نهاد سبب اقوای از مباشر در حقوق کیفری مصون از نسخ مانده و در ذیل ماده اخیرالذکر (۵۲۶) جای خود را حفظ کرده است که به موجب آن: «... در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرمميز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب ضامن است».

باری، مباحث بالا با نگاه برجسته‌سازی جایگاه فقهی و قانونی مدنی نهاد سبب اقوای از مباشر مطرح گردید تا ریشه فقهی قوی آن و حتی جایگاه مستقل آن در نظام حقوقی ایران (قانون مدنی) مشخص گردد؛ اما نکته مهم در بحث سبب اقوای از مباشر آن است که در این نهاد، مباشر شخصی دارای حسن نیت یا فاقد مسئولیت (مانند جاهل، صغیر یا مجنون) است و به جهت همین صفات، سبب، اقوای از او به شمار آمده و تمامی بار مسئولیت کیفری و مجازات را به دوش می‌کشد. مثلاً الف که قصد سرقت از منزل دیگری یا تخریب ملک دیگری را دارد با وانمود کردن خود به عنوان مالک از کارگرانی می‌خواهد که در قبال گرفتن دستمزد، اسباب و وسایل منزل او را جابجا کنند یا ملک او را تخریب نمایند و آن‌ها هم غافل از اینکه منزل متعلق به الف نیست به سرقت یا تخریب مبادرت کنند. بدیهی است در این حالت، کارگران (مباشرین) به جهت جهل نسبت به تعلق مال به غیر، مسئولیتی نداشته و تمامی بار مسئولیت و مجازات بر عهده مسبب (الف) است. همین حکم در فرضی که الف، شخص مجنون یا غیر ممیزی را تحریک به سرقت یا تخریب اموال دیگران یا حمل مواد مخدر یا مشروبات الکلی یا اسلحه کند، جاری است و توجیه منطقی و قابل دفاع آن هم اقوی بودن الف به جهت جنون و صغیر غیر ممیز بودن مباشر است. همچنین است در حالتی که الف شخصی را اکراه به ارتکاب جرم (غیر قتل) نماید که در این صورت هم طبق ماده ۱۵۱ ق.م.ا ۱۳۹۲: «... اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود...». در این حالت هم مقنن تمامی بار مجازات را بر دوش مکره قرار داده و به سخن دقیق‌تر همان مجازات مباشر را بر او تحمیل کرده و اکراه شده را به جهت تأثیر ضعیفش در وقوع جرم مورد بازخواست قرار نمی‌دهد.

۲-۲. تبیین دیدگاه این همانی مباشرت معنوی با سبب اقوای از مباشر

در نظریه این همانی مباشرت معنوی با سبب اقوای از مباشر، مفهوم و مصادیق مباشرت معنوی عیناً همان سبب اقوای از مباشر به شمار می‌آید. گویی اساساً مباشرت معنوی ماهیتی مستقل ندارد و فقط عنوانی دیگر از سبب اقوای از مباشر است. برخی از نویسندگان ایرانی به صراحت یا به صورت ضمنی به این مطلب اشاره دارند (منصورآبادی، ۱۳۹۶: ۲۶؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۱۷) به بیانی دیگر، موارد گفته شده در بالا (بند قبلی) را که از مصادیق سبب اقوای از مباشر است و ریشه فقهی دارد و پیش از قانون مجازات اسلامی وارد قانون مدنی هم شده است، عیناً و منحصراً از مصادیق مباشرت معنوی می‌دانند و مصادیق گفته شده در بحث مفهوم مضیق مباشرت معنوی را همگی از مصادیق معاونت در جرم به شمار می‌آورند. به نظر می‌رسد که این رویکرد ناشی از تأثیرپذیری از دیدگاه‌های حقوق دانان عرب باشد. حقوق دانان عرب غالباً مفهوم مباشرت معنوی را منحصر به مواردی دانسته‌اند که مباشر، شخص فاقد مسئولیت یا دارای حسن نیت است. از جمله نجیب حسنی از حقوق دانان لبنانی در تعریف فاعل معنوی گفته است: او کسی است که دیگران را برای ارتکاب جرم به خدمت می‌گیرد به نحوی که آن‌ها به مثابه ابزاری در دست او برای ارتکاب جرم هستند. او جرم را به تنهایی اما توسط دیگران انجام می‌دهد (نجیب حسنی، ۱۹۸۴: ۵۷۴). ایشان در ادامه و برای بیان مصادیق مباشرت معنوی گفته است: «مهم‌ترین مصادیق مباشرت معنوی کسی است که فرد غیرمسئولی را به ارتکاب جرم وادار می‌کند مانند کسی که مجنونی را به قتل ثالثی تحریک کرده و در نتیجه قتل واقع می‌شود یا کسی که برای صغیر غیر ممیز آتش زدن خانه‌ای را زیبا جلوه دهد و بدین ترتیب جرم حریق واقع گردد. همچنین فاعل معنوی محسوب می‌شود کسی که شخص دارای حسن نیت و جاهلی را تحریک به ارتکاب جرم کند مانند کسی که غذای سمی برای دادن به دیگری به شخصی بدهد و قتل واقع شود یا کسی که از خادم خود بخواهد که کت متعلق به غیر را به او بدهد و خادم هم با اعتقاد اینکه کت، مال مخدوم است آن را به وی بدهد» (نجیب حسنی، ۱۹۸۴: ۵۷۴-۵۷۵). این دیدگاه در کتب دیگر نویسندگان حقوقی عرب هم تکرار شده است (قهوجی، ۲۰۰۸: ۵۰۱-۵۰۰؛ عبدالمنعم، ۲۰۳۳: ۶۳۹-۶۳۸). با این وجود نص صریحی مبنی بر پذیرش نظریه فاعل یا مباشر معنوی در قانون مجازات کشور مصر و لبنان نیست و بر همین اساس هم برخی از نویسندگان عرب اساساً منکر وجود نهادی تحت عنوان فاعل یا مباشر معنوی در قانون مجازات لبنان و مصر شده‌اند (قهوجی، ۲۰۰۸: ۵۰۱).

۲-۳. نقد دیدگاه حقوق دانان ایرانی در مورد این همانی مباشرت معنوی با سبب اقوای از مباشر

در بند قبلی ملاحظه گردید که مفهوم مباشرت معنوی از نظر این دسته از حقوق دانان ایرانی و عربی همان است که در فقه امامیه و به تبع آن در حقوق ایران «سبب اقوای از مباشر» خوانده می‌شود. البته حقوق دانان عرب، اسمی از نهاد فقهی «سبب اقوای از مباشر» هم در کتب خود نمی‌آورند ولی مثال‌هایی که ذکر می‌کنند همان مصادیق سبب اقوای از مباشر است. در مثال‌های ایشان که در بالا ذکر شد، تحریک کننده سبب است و مباشرین، شخص فاقد مسئولیت (مانند مجنون و کودک) یا دارای حسن نیت (جاهل به ارتکاب جرم) هستند که تماماً از مصادیق سبب اقوای از مباشر هستند. جالب آنکه علیرغم وجود موادی در قانون مجازات برخی کشورهای عربی نظیر عراق که در آن‌ها از عبارات ارتکاب جرم «شخصاً یا توسط دیگری»^۱ استفاده شده، اساساً متعرض این موارد نشده‌اند (نجیب حسنی، ۱۹۸۴: ۵۷۴-۵۷۵). این قانون که گفته است: «هرکس شخصاً یا توسط دیگری موضوع بند ۱ این ماده را جعل کند به همان مجازات محکوم می‌شود»:

۱- به‌رغم وجود موادی در قانون مجازات عراق که در آن‌ها از عبارات شخصاً یا توسط دیگری «بنفسه او به واسطه غیره» استفاده شده است مانند بند ۳ ماده ۲۹۷ این قانون که گفته است: «هرکس شخصاً یا توسط دیگری موضوع بند ۱ این ماده را جعل کند به همان مجازات محکوم می‌شود»:

حسینی، ۱۹۸۴: ۵۷۴). دلیل این عدم اشاره، نبود خلأ تقنینی کشورهای عربی مورد مطالعه ایشان (به خصوص لبنان) به جهت جرم‌انگاری مستقل تحریض به ارتکاب جرم است. توضیح اینکه در نظام حقوقی اکثر این کشورها نظیر لبنان (ماده ۲۱۷ قانون مجازات لبنان) و اردن (بند الف ماده ۸۰ قانون مجازات اردن) و بسان نظام حقوقی کامن‌لا (Ashworth, 1992: 416; Herring; 2004: 764)، صرف تحریک به ارتکاب جرم، صرف نظر از اینکه فرد تحریک‌شده جرم مدنظر را انجام دهد یا ندهد، جرم ناقص (در مقابل جرم تام) مستقل و قابل مجازات است. افزون بر این در برخی از این نظام‌ها مثلاً لبنان (ماده ۲۱۸ قانون مجازات لبنان)، مجازات محرک و مباشر یکسان است؛ در حالی که اولاً در حقوق ایران اصولاً صرف تحریک به ارتکاب جرم تا زمانی که مباشر، جرم را انجام ندهد، وصف کیفری ندارد و ثانیاً در صورت تحقق جرم توسط مباشر هم مجازات محرک، همان مجازات مباشر نیست و کمتر است. باری، با توجه به نبود این خلأ تقنینی و نیز فقدان نهاد مستقل «سبب اقوای از مباشر» در حقوق کیفری این کشورها و علاوه بر آن دو، یکسانی مجازات محرّض و مباشر جرم در برخی از این نظام‌ها، دیدگاه حقوقدانان عرب در تقلیل مفهوم و مصادیق مباشرت معنوی به مفهوم و مصادیق سبب اقوای از مباشر، دور از انتظار نیست اما اینکه برخی از نویسندگان ایرانی نیز ظاهراً به تبعیت از ایشان در قلمرو حقوق کیفری ایران هم بر همین باورند و موارد و مصادیق مباشرت معنوی را همان مصادیق سبب اقوای از مباشر می‌دانند (منصورآبادی، ۱۳۹۶: ۲۶؛ میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۱۷)، قابل تأمل و انتقاد است؛ زیرا این دیدگاه حقوق‌دانان عرب با سایر اجزای نظام حقوقی آن‌ها منطبق است ولی چنین دیدگاهی در حقوق ایران با سایر اجزای نظام حقوقی هماهنگی ندارد. مثلاً در ماده ۲۱۸ قانون مجازات لبنان آمده است: «شخصی که به هر وسیله‌ای دیگری را به ارتکاب جرم برانگیزد یا در این خصوص تلاش کند، محرّض محسوب می‌شود...» و در ماده ۲۱۹ هم مجازات محرّض همان مجازات مباشر و حتی شدیدتر از آن تعیین شده است. طبق این ماده: «تحریض‌کننده به جرم به مجازات جرم مورد تحریض محکوم خواهد شد؛ خواه جرم مورد تحریض واقع شود یا در مرحله شروع به جرم متوقف شده یا ناقص بماند...». در نتیجه ملاحظه می‌شود که موضع مقنن در نظام حقوقی کشورهای عربی در مورد تحریک به ارتکاب جرم، بسیار سخت‌تر از موضع مقنن در نظام حقوقی ایران است. در نظام حقوقی ایران مجازات محرّک، همان مجازات معاون است که بسیار کمتر از مجازات مباشر است ولی در نظام حقوقی این کشورها بسان کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا، مجازات محرک همان مجازات مباشر و حتی شدیدتر از آن است. بر این اساس و به جهت این خلأ تقنینی، مقنن ایران در موارد معدودی مثل مواد ۶۲۱ و ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی ناچار شده مجازات محرک را همسنگ مجازات مباشر تعیین کند و آن حالاتی است که در مفهوم مضیق مباشرت معنوی بررسی گردید. در نتیجه اینکه نظرات دیگران را بدون توجه به خلأها و اقتضائات نظام حقوقی خود، به‌عنوان نظام حقوقی خویش تکرار کنیم، درست نیست. همچنان که همین حقوق‌دانان عرب

با این حال در ماده ۴۷ این قانون گفته شده: «فاعل جرم محسوب می‌شود: ... ۳- کسی که شخص فاقد مسئولیت کیفری را به هر وسیله‌ای وادار به ارتکاب جرم کند». بر همین اساس آن عبارات شخصاً یا توسط دیگری در مواد متعددی از قانون مجازات عراق، با توجه به بند ۳ ماده ۴۷ و در هماهنگی با نظر حقوق‌دانان عرب به اشخاص فاقد مسئولیت کیفری تفسیر می‌شود؛ هرچند این ظرفیت هم با توجه به تفاوت‌های بین حقوق کیفری عراق با سایر کشورهای عربی وجود دارد که به ارتکاب جرم از طریق تحریک افراد مسئول هم تفسیر شود که بحث از آن مجال و مقال دیگری را می‌طلبد. تنها اشاره می‌شود که در صورت درست بودن چنین تفسیری چه خاصیتی در نگارش این مواد با عبارت «شخصاً یا توسط دیگری» در مواد متعددی از قانون مجازات عراق وجود داشته است؟!!

۱- البته در قانون مجازات اردن هم مجازات معاون (از جمله محرک) کمتر از مجازات مباشر است (ماده ۸۱ قانون مجازات اردن). با این حال تفاوت آن حقوق ایران در این است که صرف تحریک به ارتکاب جرم صرف‌نظر از اینکه مباشر، جرم مدنظر را انجام دهد یا ندهد، جرم و قابل مجازات است.

با اخذ مفهوم مباشرت معنوی از حقوق فرانسه بخصوص قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه، آن را منطبق با نظام حقوقی خود و هماهنگ با نهادهایی چون تحریض به ارتکاب جرم در نظر گرفته‌اند تا یکی، جای دیگری را نگیرد و یا با آن خلط نگردد. جالب آن که در حقوق آلمان هم به‌رغم محدود کردن اولیه مصادیق مباشرت معنوی به ارتکاب جرم از طریق افراد دارای حسن نیت یا غیرمسئول، از سال ۱۹۸۸ رویه قضایی و بخصوص دیوان عالی آلمان این مفهوم را به اقتضای نیاز نظام حقوقی خود در مواردی به حالات ارتکاب جرم از طریق اشخاص آگاه و غیرمسئول هم توسعه داده است (Fletcher, 2010: 198-199). یکی از پرونده‌ها ناظر به مواردی بود که سربازان گارد مرزی آلمان شرقی کسانی از اتباع این کشور را که قصد فرار از مرزهای کشور به آلمان غربی را داشتند به دستور کمیته مرکزی حزب به قتل رسانده بودند. بعد از اتحاد دو آلمان اعضای کمیته مرکزی حزب که چنین دستوراتی داده بودند، تحت تعقیب قرار گرفتند. دادگاه بدوی، آن‌ها را تنها به دلیل همکاری در ارتکاب قتل (نه مباشرت معنوی)، محکوم کرد، زیرا گاردهای مرزی (مباشرتین)، از اشخاص فاقد مسئولیت کیفری نبوده و مسئولیت کیفری کامل داشتند. با این وجود در جریان استیناف، دادگاه فدرال آلمان اعلام نمود متهمین به‌عنوان «مرتکب به‌واسطه جانشین» یعنی همان مباشر معنوی اقدام نموده‌اند (بوهلاندر، ۱۳۹۰: ۳۲۸؛ Fletcher, 2010: 198-199). بر این اساس آیا بهتر نیست ضمن پایبندی به میراث فقهی نظام حقوقی خویش و با پیروی از تدوین‌کنندگان دانشمند قانون مدنی در ۹۰ سال پیش، از استقلال نهاد سبب اقوای از مباشر و عدم خلط آن با مفهوم مباشرت معنوی پرهیز کرده و برای هر کدام ماهیت و قلمرو مستقل قائل شویم؟

۳. مفهوم موسع مباشرت معنوی (یا مباشرت معنوی اعم از سبب اقوای از مباشر)

دیدگاه سوم یا همان مفهوم موسع مباشرت معنوی آن است که مباشرت معنوی علاوه بر موارد قدر متقین (که در بند ۱ بحث شد) شامل مصادیق سبب اقوای از مباشر (که در بند ۲ بررسی گردید) هم می‌شود. این دیدگاه نیز طرفدارانی در حقوق کیفری ایران دارد (محسنی، ۱۳۷۶: ۵۰-۴۸). در واقع مطابق این دیدگاه مباشرت معنوی هم شامل ارتکاب جرم از طریق افراد غیرمسئول (نظیر صغیر غیر ممیز، مجنون و جاهل) می‌شود یعنی همان مفهوم سبب اقوای از مباشر و هم شامل ارتکاب جرم از طریق افراد مسئول که استثنائاً مقنن مجازات آن‌ها را همسنگ و یکسان با مباشر مادی قرار داده است (همان مفهوم مضیق یا مستقل مباشرت معنوی). با توجه به اینکه این دیدگاه در واقع جمع دو دیدگاه اول و دوم است که به ترتیب در دو بند ۱ و ۲ مقاله تبیین گردید، از بررسی بیشتر و تکرار مطالب خودداری می‌شود.

۴. نگاهی به تفاوت‌های مباشرت معنوی با سبب اقوای از مباشر

با توجه به اینکه تفاوت دیدگاه اول (مفهوم مضیق مباشرت معنوی) با دیدگاه دوم (این‌همانی مباشرت معنوی و سبب اقوای از مباشر) و دیدگاه سوم (مباشرت معنوی اعم از سبب اقوای از مباشر) تنها در همان سبب اقوای از مباشر به شمار آمدن مباشر معنوی در دیدگاه دوم و شامل سبب اقوای از مباشر بودن مباشرت معنوی در دیدگاه سوم است، کافی است که تفاوت مباشرت معنوی با سبب اقوای از مباشر روشن شده تا تفاوت دیدگاه اول با دو دیدگاه دیگر کاملاً روشن گردد. بدین ترتیب و با توجه به فرضیه مقاله مبنی بر ماهیت مستقل داشتن نهاد مباشرت معنوی و تفاوت آن از نهاد سبب اقوای از مباشر دارد در ادامه به تفاوت‌های این دو نهاد اشاره می‌شود.

۴-۱. تفاوت در خاستگاه

خاستگاه مباشرت معنوی، حقوق عرفی و بخصوص نظام حقوقی مدون بالأخص حقوق فرانسه است و از طریق قانون مجازات ۱۸۱۰ فرانسه وارد قانون‌گذاری کشور ما هم شده است در حالی که نهاد سبب اقوای از مباشر همان‌طور که در قسمت دوم مقاله (بند ۲) به آن اشاره شد، ریشه فقهی دارد. بدیهی است در قانون مجازات ۱۸۱۰ فرانسه وقتی سخن از ارتکاب جرم «توسط دیگری» است، این «دیگری» همان‌طور که در دیدگاه مضیق مباشرت معنوی گفته شد، شخص مسئول است و اساساً در حقوق فرانسه ارتکاب جرم از طریق اشخاص فاقد مسئولیت (مثل مجنون، صغیر غیر ممیز و جاهل) تحت نهادی به نام سبب اقوای از مباشر قرار نگرفته و این نهاد هیچ سابقه و نام و نشانی در حقوق فرانسه نداشته و مصادیق سبب اقوای از مباشر ذیل عنوان مرتکبین اصلی مطرح می‌گردد (استفانی و دیگران، ۱۳۶۷: ۴۰۲-۳۹۶؛ کانن، ۱۳۹۹: ۱۱۰-۱۰۶). در حقوق کیفری بسیاری از کشورهای دیگر نیز چنین است و به تعبیر فلچر نظام‌های حقوقی در مواردی که شخصی برای ارتکاب جرم از افراد فاقد مسئولیت کیفری نظیر کودک یا مجنون یا ناآگاه استفاده کند، خود استفاده‌کننده یا محرک را به‌عنوان مرتکب اصلی در نظر می‌گیرند و چنین افراد فاقد مسئولیتی را بسان ابزاری در دست وی به شمار می‌آورند (Fletcher, 2010: 198-199). باری، در حقوق این کشورها از جمله فرانسه، چیزی به‌عنوان سبب اقوای از مباشر شناخته شده نیست و مصادیق آن ذیل مصادیق مرتکب اصلی تعریف می‌شود. بر همین اساس تعدادی از حقوق‌دان‌های ایرانی هم که عمدتاً متأثر از حقوق فرانسه بوده‌اند، برخی تقریباً (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۹۳-۹۲) و برخی دیگر منحصراً (حمیدی، ۱۳۵۱: ۱۰۷؛ زاهدی، ۱۳۵۱: ۵۷-۵۵)، تنها از همین مصادیق تحریک دیگران به ارتکاب جرم یا «ارتکاب جرم توسط دیگری» به‌عنوان مصادیق منحصر مباشرت معنوی یاد کرده‌اند. به هر حال بدون تردید نهاد «سبب اقوای از مباشر» خاستگاهی کاملاً فقهی دارد و نهاد «مباشرت معنوی» برعکس آن ریشه حقوق عرفی دارد و بهتر است از این ظرفیت مهم استفاده شده و از خلط دو نهاد دوری شود.

۴-۲. تفاوت در ماهیت

ماهیت مباشرت معنوی همان‌طور که در قسمت اول مقاله (بند ۱) به آن اشاره شد، معاونت در جرم است در حالی که ماهیت سبب اقوای از مباشر، به جهت ضعف مباشر (جنون، صغیر یا جهل وی) و در حکم آلت بودن وی، همان مرتکب اصلی است؛ گویی مرتکب از ابزاری در جهت ارتکاب جرم بهره گرفته است و آن ابزار از لحاظ حقوقی مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد و بر این پایه همه مسئولیت و مجازات بر دوش وی به‌عنوان مرتکب اصلی بار می‌شود. در حقوق فرانسه هم همان‌طور که در مطلب بالا به آن اشاره شد، سبب اقوای از مباشر، یکی از مصادیق مرتکب اصلی به شمار می‌آید. باری، در مباشرت معنوی، مباشر مادی انسان مسئول است ولی در سبب اقوای از مباشر، مباشر مادی، انسانی غیرمسئول (صغیر یا مجنون یا مکره در جرائم تعزیری یا انسان جاهل به موضوع) است و همین تفاوت مهم، نشانه مستقل بودن نهاد سبب اقوای از مباشر از مباشرت معنوی است؛ امر مهم و تفاوت جوهری که

۱- در حقوق کیفری آلمان هم چنین است. عنوان ماده ۲۵ قانون مجازات آلمان، «مرتکبین اصلی» است و بند ۱ آن چنین است: «هر فردی که خود یا از طریق دیگری مرتکب فعل مجرمانه گردد، به‌عنوان مرتکب اصلی مجازات خواهد شد» (عباسی، ۱۳۸۹: ۲۸). عبارت «از طریق (شخص) دیگری مرتکب فعل مجرمانه گردد»، چنانچه پیش‌تر اشاره شد در حقوق کیفری آلمان از گذشته تا به حال شامل حالتی می‌شود که فردی از راه به کارگیری افراد فاقد مسئولیت، مرتکب جرم شود که در حقوق کیفری ایران همان سبب اقوای از مباشر نام دارد. البته چنانچه پیش‌تر گفته شد امروزه این عبارت امروزه در مواردی حالتی هم شخصی از اشخاص مسئول برای ارتکاب جرم مدنظر خود استفاده، توسعه داده شده است (بوهلاندر، ۱۳۹۰: ۳۲۳).

البته در نظریه این‌همانی مباشرت معنوی و سبب اقوای از مباشر و نظریه عام بودن مباشرت معنوی از سبب اقوای از مباشر به‌راحتی و بدون هیچ استدلالی نادیده گرفته می‌شود.

۴-۳. تفاوت در قلمرو (از حیث نوع جرائم)

مباشرت معنوی با توجه به خاستگاه حقوق عرفی آن (حقوق مدون)، اساساً قابل طرح در جرائم موجب قصاص و حدود نیست و در نظام حقوقی ایران صرفاً در قلمرو جرائم تعزیری قابل طرح است؛ همچنان که در حال حاضر هم‌چنین است و نمونه‌های آن در مواد ۵۳۸ و ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تعزیرات) پذیرفته شده است در حالی که سبب اقوای از مباشر می‌تواند در عموم جرائم موجب قصاص هم مطرح باشد مانند حالتی که شخصی فرد مجنون یا صغیر غیر ممیزی را تحریک به قتل دیگری کند یا غذای مسمومی را به انسان با حسن نیت و جاهل به مسموم بودن آن بدهد تا به دیگری بخوراند. طبیعی است در صورت تحقق قتل، سبب اقوای از مباشر (و نه مباشر) قاتل عمدی و قابل مجازات قصاص است. به بیانی دیگر، مباشر معنوی هیچ‌گاه قابل مجازات حد، قصاص و دیه نیست زیرا ماهیت معاونت در جرم دارد و معاون در جرم از دیدگاه فقهی فقط قابل مجازات تعزیری است به همین جهت مقنن ایران هم که دغدغه رعایت موازین شرعی را داشته، مصادیق مباشرت معنوی را فقط در جرائم تعزیری به رسمیت شناخته است. درحالی که سبب اقوای از مباشر اصولاً به‌راحتی قابل محکومیت به مجازات قصاص و دیه و در موارد محدودی، حد (نه همه حدود) است. البته پرواضح است که این امر دارای پاره‌ای استثناءها است (مثل حالت اکراه به قتل یا اکراه به جرم حدی).

۴-۳. منطبق بودن مفهوم نظریه مضیق مباشرت معنوی با سایر اجزای نظام حقوقی ایران

همان‌طور که اشاره شد، ماهیت مباشرت معنوی در دیدگاه مضیق آن تنها معاونت در جرم از طریق تحریک اشخاص مسئول به ارتکاب جرم است (بند الف ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲). این در حالی است که معاونت در جرم خود عنوان مجرمانه مجزایی دارد و شاید به نظر برسد که اساساً نیازی به ایجاد نهاد مستقل دیگری تحت عنوان مباشرت معنوی نیست. در حالی که این شبهه، حداقل در حقوق ایران جوابگو نیست زیرا درست است که ماهیت مباشرت معنوی همان معاونت در جرم است ولی مجازات مباشر معنوی، مجازات معاونت در جرم نیست و همان مجازات مباشر مادی است. توضیح اینکه در حقوق ایران برعکس حقوق فرانسه (که مجازات معاون همان مجازات مباشر است)، مجازات معاون بسیار پایین‌تر از مجازات مباشر است و از قضا به همین جهت مفهوم مباشرت معنوی شناخته شده است تا در برخی از رفتارهای مجرمانه (مانند آدم‌ربایی موضوع ماده ۶۲۱ یا برخی مصادیق جعل موضوع ماده ۵۳۸)، مجازات مغز متفکر جرم یا همان مباشر معنوی، دقیقاً به اندازه مباشر مادی باشد. در حالی که در حقوق کشورهای عربی مثلاً لبنان (ماده ۲۱۸ قانون مجازات لبنان) تحریک به ارتکاب جرم عنوان مستقل مجرمانه دارد و در صورت تحقق، مجازات محرض همان مجازات مباشر و حتی گاهی بیشتر از مجازات مباشر و شریک است زیرا محرض به همان مجازات جرم مورد تحریک محکوم خواهد شد حتی اگر رفتار مورد تحریک به‌صورت تام واقع نشده و در مرحله شروع به جرم متوقف شود (نجیب حسنی، ۱۹۸۴: ۶۶۲). بر همین اساس است که حقوق‌دانان عرب‌زبان مصادیق مباشرت معنوی را محدود به همان موارد تحریک افراد غیرمسئول به ارتکاب جرم تفسیر کرده‌اند

تا از خلط آن با مفهوم تحریض به ارتکاب جرم پرهیز کنند و اتفاقاً یکی از تفاوت‌های مباشرت معنوی با تحریک به ارتکاب جرم را همین مورد ذکر کرده‌اند که در اولی مباشرت مادی به‌مثابه آلت و ابزار است (اصطلاحاً غیرمسئول) در حالی که در دومی شخص تحریک شده، مسئول است (عبدالمنعم، ۲۰۰۳: ۶۴۰). بر این اساس اقتضای نظام حقوقی ایران برعکس کشورهای عربی بخصوص لبنان پذیرش تعریف مضیق مباشرت معنوی و عدم تقلیل یا خلط آن با مفهوم سبب اقوای از مباشر را دارد. در این صورت است که می‌توان تحریک‌کنندگانی را که نقش اساسی در ارتکاب جرم داشته و به عبارت دیگر تأثیر آنان در ارتکاب جرم بیشتر از معاونت‌های متعارف است و در عین حال از مصادیق سبب اقوای از مباشر هم نیستند، یکسان با مباشرت مادی مجازات کرد و این امر چنانکه در قسمت اول مقاله (بند ۱) نیز گفته شد، به جهت نقش خطرناک چنین افرادی در وقوع جرم است.

نتیجه‌گیری

در نظام حقوق کیفری ایران که نهاد مستقل و خاص سبب اقوای از مباشر با ریشه فقهی قوی وجود دارد و حتی در قانون مدنی هم ریشه دوانده است، باید در حفظ این نهاد ریشه‌دار کوشید و از تقلیل این نهاد بومی به نهاد مباشرت معنوی که خاستگاهی جدای از آن دارد پرهیز کرد. این هر دو نهاد حقوقی هرکدام نظام حقوقی ویژه خود را دارند و لازم نیست که یکی از آن‌ها جای دیگری را بگیرد یا با آن خلط شود؛ بخصوص که در نظام حقوقی ایران با توجه به عدم جرم‌انگاری مستقل تحریک به ارتکاب جرم به‌عنوان اصل کلی (شبهه نظام حقوقی کامن‌لا و کشورهای عربی) و افزون بر آن کمتر بودن مجازات معاون (از جمله تحریک به ارتکاب جرم) از مجازات مباشر، به‌شدت احساس نیاز به این نهاد حقوقی (مباشرت معنوی) برای همسنگ کردن مجازات محرک با مباشر، حداقل در برخی جرائم مهم نظیر آدم‌ربایی یا جعل گواهی پزشکی وجود دارد. بخصوص که محرک ارتکاب جرم، مسلماً اگر خطر بیشتری نسبت به مباشر مادی برای نظم عمومی نداشته باشد، خطر کمتری هم ندارد زیرا جرم بنا به خواست او توسط مباشر انجام شده و اگر خواست او نبود اساساً هرگز جرمی انجام نمی‌شد. بدین ترتیب اتخاذ مجازات یکسان برای محرک و سایر معاونین حداقل در برخی جرائم مهم درست نیست زیرا در سایر موارد معاونت (مثلاً بندهای ب و پ ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی) فکر ارتکاب جرم از مباشر است و مباشر به جهت گرفتن راهنمایی یا وسیله ارتکاب جرم مدنظر، به معاون مراجعه می‌کند در حالی که در بحث تحریک به ارتکاب جرم (بند الف ماده ۱۲۶) فکر ارتکاب جرم از معاون (محرک) نشأت گرفته و او با توجه به اقتدار یا پول یا مقام خود، قصد مجرمانه خود را «از طریق» دیگران و با تحریک یا تطمیع آن‌ها انجام می‌دهد.

باری با نظریه مفهوم مضیق مباشرت معنوی می‌توان خلطاً کم بودن مجازات محرک را حداقل در برخی جرائم مهم جبران کرد. اگر حقوقدانان عرب‌زبان بخصوص لبنانی، برای مباشرت معنوی مثال‌های سبب اقوای از مباشر را ذکر می‌کنند به جهت این است که چنین نقصانی در حقوق کیفری آن‌ها نیست. در نظام کیفری آن‌ها تحریک به ارتکاب جرم حتی اگر منجر به ارتکاب جرم هم نشود، جرم است. با این حال اینکه برخی نویسندگان ایرانی هم ظاهراً به تبعیت از آن‌ها چنین بیندیشند، قابل دفاع نیست. بخصوص که در نظام حقوقی ایران، نهاد حقوقی خاص مستخرج از فقه تحت عنوان «سبب اقوای از مباشر» وجود دارد و نیازی به تحت پوشش مباشرت معنوی بردن آن‌ها نیست. بر این اساس معتقدیم که مصادیق متیقن ذکر شده برای مباشرت معنوی یا همان مفهوم مضیق مباشرت

معنوی (یعنی مواد ۵۳۸، ۶۲۱ و بند ۲ ماده ۶۴۰ ق.م.ا. ۱۳۷۵ و ماده ۱۰ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰) یعنی «ارتکاب جرم توسط دیگری»، در حالی که هر دو نفر (تحریک کننده و تحریک شده) واجد مسئولیت کیفری باشند، ماهیت مستقل و جدای از نهاد حقوقی «سبب اقوای از مباشر» دارد و نباید آن‌ها را با هم خلط کرد؛ به عبارت دیگر موضوع و احکام این دو نهاد حقوقی متفاوت‌اند؛ چنان‌که خاستگاه متفاوتی هم دارند؛ خاستگاه مباشرت معنوی، حقوق عرفی و خاستگاه سبب اقوای از مباشر، منابع فقهی است و بر این اساس شایسته است از خلط موضوع و احکام آن دو در همدیگر پرهیز کرده و جایگاه هر کدام را به‌عنوان نهادی مستقل محفوظ داشت. از جمله خصوصیات موارد متیقن مباشرت معنوی، آن است که به‌رغم ماهیت معاونت داشتن، نه تحت عنوان معاونت قرار می‌گیرد، چون به‌عکس معاونت، مباشر معنوی، مجازات یکسان با مباشر مادی جرم دارد و نه عنوان سبب اقوای از مباشر بر آن صادق است، چون در سبب اقوای از مباشر، مباشر به جهت عدم مسئولیت (صغر یا جنون یا اکراه) یا حسن نیت (جهل به موضوع)، فاقد مسئولیت کیفری است. در قالب شرکت در جرم هم نمی‌گنجد، چون عملیات اجرایی جرم را تنها مباشر مادی انجام داده است و مباشر معنوی دخالتی از این حیث نداشته است. در نتیجه صدق عنوان مستقل مباشرت معنوی تنها در مورد آن‌ها (مصادیق متیقن مباشرت معنوی) صادق است.

منابع**الف- فارسی و عربی:**

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، نشر میزان، چاپ شصت و پنجم، ۱۴۰۳.
- استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ و بولک، برنار، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)، ج ۱، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- بوهلندر، مایکل، مبانی حقوق کیفری آلمان، ترجمه اصلی عباسی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- پوربافرانی، حسن، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، نشر جنگل، چاپ پنجم، ۱۴۰۲.
- پوربافرانی، حسن، حقوق جزای عمومی (مجرم و مسئولیت کیفری)، نشر جنگل، چاپ چهارم، ۱۴۰۳.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد، الفقه (کتاب الديات)، ج ۹۰، دارالعلوم، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۹۸۸.
- حمیدی، منوچهر، معاونت در جرم، چاپخانه صبح امروز، چاپ اول، ۱۳۵۱.
- زاهدی، لطیف، تحریک به ارتکاب جرم، چاپخانه سپهر، چاپ اول، ۱۳۵۱.
- عباسی، اصلی، قانون مجازات آلمان (ترجمه)، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- عبدالمنعم، سلیمان، نظریه العامه لقانون العقوبات، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۳.
- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنائی، ج ۱، انتشارات فردوسی، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- قهوجی، علی عبدالقادر، شرح قانون العقوبات، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۸.
- کانن، پاتریک، حقوق جزای عمومی، ترجمه محد ادیب، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۹.
- محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، نشر گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- محقق حلی، ابوالقاسم، شرایع الاسلام، ج ۴، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳.
- منصورآبادی، عباس، حقوق جزای عمومی ۲، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۴۰۲.
- میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای عمومی ۲، نشر دادگستر، چاپ چهارم، ۱۴۰۳.
- نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۴۳، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۶۷.
- نجیب حسینی، محمود، قانون العقوبات اللبناني (القسم العام)، دارالنهضة العربیه، الطبعة الاولى، ۱۹۸۴.

ب- لاتین:

Ashworth, Andrew., Principles of Criminal Law, Oxford, 1992.

fletcher, Gorge P., Basic Concepts of Criminal Law, Oxford University Press, New York, 1998.

Herring, Jonatan., Criminal Law, Oxford, 2004.

چکیده تفصیلی

مباشرت معنوی از جمله مفاهیم چالش‌برانگیز در حقوق کیفری است که تبیین دقیق آن، نقش مهمی در تعیین قلمرو مسئولیت کیفری و تناسب واکنش کیفری با میزان خطرناکی مرتکبان ایفا می‌کند. در ادبیات حقوقی ایران، سه رویکرد عمده در خصوص مفهوم و مصادیق مباشرت معنوی قابل‌شناسایی است که هر یک، پیامدهای نظری و عملی متفاوتی در نظام تقنینی و قضایی به همراه دارند. بر اساس رویکرد نخست که می‌توان آن را «مفهوم مضیق مباشرت معنوی» نامید، این نهاد صرفاً ناظر بر وضعیتی است که شخصی با تحریک، ترغیب یا تطمیع افراد دارای مسئولیت کیفری، ارتکاب جرم را از طریق آنان محقق می‌سازد. هرچند از منظر تحلیلی، چنین رفتاری به معاونت در جرم نزدیک است، اما قانون‌گذار با توجه به نقش محوری، خطرناکی بیشتر و سهم تعیین‌کننده فاعل معنوی در تحقق نتیجه مجرمانه، وی را مستحق مجازاتی معادل فاعل مباشر دانسته است. این تلقی با سیاست جنایی قانون جزای فرانسه مصوب ۱۸۱۰ نیز هم‌راستا است. مبنای این دیدگاه آن است که اندیشه مجرمانه و اراده اصلی ارتکاب جرم، پیش از هر چیز در ذهن فاعل معنوی شکل می‌گیرد و فاعلان مستقیم، در واقع مجریان اراده او محسوب می‌شوند. از این منظر، جرم ارتكابی حتی در فقدان حضور فیزیکی فاعل معنوی، همچنان محصول قصد مجرمانه وی است و چه‌بسا خطر او از فاعل مباشر نیز بیشتر تلقی شود؛ زیرا بدون نفوذ، موقعیت یا امکانات او، اساساً زمینه ارتکاب جرم فراهم نمی‌شد. در برابر این دیدگاه، رویکرد دوم که در میان بسیاری از حقوقدانان عرب، از جمله در حقوق لبنان، طرفداران قابل‌توجهی دارد، مباشرت معنوی را نهادی مستقل دانسته و مصادیق آن را ذیل نهاد «سبب اقوی از مباشر» تحلیل می‌کند. بر اساس این برداشت، فاعل معنوی چیزی جز جلوه‌ای از سبب اقوی نیست و نیازی به شناسایی نهادی مستقل برای آن وجود ندارد. با این حال، این تحلیل با موانع جدی مواجه است؛ زیرا نهاد سبب اقوی از مباشر، ریشه‌ای فقهی و مبتنی بر مبانی خاص حقوق اسلامی دارد، در حالی که مباشرت معنوی مفهومی برآمده از حقوق عرفی و تحولات حقوق کیفری نوین است. خلط این دو نهاد، بدون توجه به تفاوت‌های بنیادین مبنایی آن‌ها، از حیث نظری قابل دفاع نیست. افزون بر این، در نظام‌های حقوقی برخی کشورهای عربی، برابری یا حتی تشدید مجازات محرک نسبت به فاعل مباشر، از طریق نصوص صریح قانونی تأمین شده و عملاً خلأ تقنینی در این زمینه وجود ندارد؛ امری که زمینه تقویت نظریه وحدت این دو نهاد را فراهم ساخته است. رویکرد سوم که می‌توان آن را «مفهوم موسع مباشرت معنوی» نامید، دامنه این نهاد را گسترده‌تر دانسته و علاوه بر معنای مضیق، موارد سبب اقوی از مباشر را نیز در شمول آن قرار می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، مباشرت معنوی مفهومی عام است که هم تحریک افراد دارای مسئولیت کیفری و هم استفاده از اشخاص فاقد مسئولیت به‌عنوان ابزار ارتکاب جرم را در بر می‌گیرد. این تلقی، هرچند از حیث توسعه مفهومی قابل توجه است، اما با خطر تضعیف مرزبندی‌های مفهومی و نهادی در حقوق کیفری همراه است. تحلیل مقررات حقوق کیفری ایران نشان می‌دهد که پذیرش نظریه وحدت مباشرت معنوی و سبب اقوی از مباشر، با ساختار نظام تقنینی سازگار نیست. در حقوق ایران، نهاد سبب اقوی از مباشر به‌عنوان نهادی مستقل و ریشه‌دار فقهی شناسایی شده و قلمرو خاص خود را دارد. افزون بر این، سیاق برخی مقررات قانونی که از تعبیر «ارتکاب جرم به‌وسیله دیگری» استفاده کرده‌اند، ناظر بر به‌کارگیری اشخاص دارای مسئولیت کیفری است، نه افراد فاقد مسئولیت. ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نمونه‌ای روشن از این وضعیت

است که در آن، فرض استفاده از صغیر، مجنون یا شخص جاهل به‌عنوان مباشر جرم، با واقعیت‌های فنی و عرفی ارتکاب جرم جعل سازگار نیست.

بر این اساس، تمایز میان مباشرت معنوی در مفهوم مضیق و نهاد سبب اقوی از مباشر، نه تنها از حیث نظری ضروری است، بلکه از منظر سیاست جنایی نیز کارکردی اساسی دارد. شناسایی مباشرت معنوی به‌عنوان نهادی مستقل، این امکان را فراهم می‌سازد که در مواردی که نقش شخص فراتر از معاونت عادی است، اما هنوز به سطح سبب اقوی نمی‌رسد، واکنش کیفری متناسب و مؤثری اعمال شود و خلأ موجود در نظام مجازات معاونت در حقوق ایران جبران گردد. در مجموع، یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی و با نگاهی به حقوق لبنان انجام شده است، نشان می‌دهد که مباشرت معنوی مفهومی برآمده از حقوق عرفی و سیاست جنایی نوین است و نباید با نهاد فقهی سبب اقوی از مباشر خلط شود. حفظ این تفکیک، شرط انسجام نظری حقوق کیفری و تضمین کارآمدی پاسخ کیفری در برابر اشکال پیچیده ارتکاب جرم در نظام حقوقی ایران است.

واژگان کلیدی:

مباشرت معنوی (غیرمستقیم)، فاعل جرم، سبب اقوی از مباشر، تحریک، معاونت در جرم

Extended abstract

Spiritual (indirect) perpetration is among the most contested concepts in criminal law, and its precise delineation plays a decisive role in defining the scope of criminal liability and ensuring proportionality between the gravity of conduct and the penal response. In Iranian legal doctrine, three principal approaches can be identified regarding the concept and scope of spiritual perpetration, each of which carries distinct theoretical and practical implications for legislation and judicial practice. According to the first approach commonly described as the narrow concept of spiritual perpetration—this institution is confined to situations in which an individual brings about the commission of a crime through the incitement, encouragement, or inducement of persons who themselves possess full criminal responsibility. Although, from an analytical standpoint, such conduct bears close resemblance to participation as an accessory, the legislator, in view of the central role, heightened dangerousness, and decisive influence of the instigator in realizing the criminal outcome, has subjected such a person to punishment equivalent to that of the direct perpetrator. This understanding corresponds with the criminal policy embodied in the French Penal Code of 1810. The underlying rationale is that the criminal design and intent originate primarily in the mind of the spiritual perpetrator, while the direct perpetrators merely execute his will. From this perspective, the absence of the spiritual perpetrator from the material execution of the crime does not diminish his responsibility, as the offense remains the product of his criminal intent. Indeed, the danger posed by the spiritual

perpetrator may be regarded as greater than that of the direct actor, since without his influence, position, or resources, the crime would not have occurred. In contrast, a second approach widely supported among Arab jurists, including Lebanese scholars rejects the independent recognition of spiritual perpetration and subsumes its instances under the doctrine of the stronger cause than the principal perpetrator. According to this view, spiritual perpetration does not constitute a distinct legal institution but merely represents one manifestation of a dominant causal role. However, this approach encounters significant conceptual difficulties. The doctrine of the stronger cause than the perpetrator is firmly rooted in Islamic jurisprudence and rests on specific doctrinal foundations, whereas spiritual perpetration is a construct that has emerged from customary law and the evolution of modern criminal law. Conflating these two institutions, despite their fundamentally different origins, undermines conceptual clarity. Moreover, in several Arab legal systems, including Lebanon, the punishment of the instigator is expressly equated with or even exceeds that of the principal offender by virtue of clear statutory provisions, thereby eliminating the need for an independent doctrinal solution. A third approach, which may be termed the broad concept of spiritual perpetration, extends the scope of this institution to encompass not only the narrow form of incitement of responsible persons but also the cases traditionally analyzed under the doctrine of the stronger cause than the perpetrator. While this interpretation offers a more expansive conceptual framework, it risks blurring essential doctrinal boundaries within criminal law. An examination of Iranian criminal law indicates that accepting the identity of spiritual perpetration and the stronger cause than the perpetrator is incompatible with the structure of the Iranian legal system. Iranian law recognizes the stronger cause than the perpetrator as an independent, jurisprudentially grounded institution with a clearly defined domain. Furthermore, the wording and context of certain statutory provisions that refer to committing an offense “by means of another” clearly presuppose the involvement of persons who possess criminal responsibility, rather than minors, mentally incapacitated individuals, or ignorant agents. Article 538 of the 1996 Islamic Penal Code exemplifies this point, as the technical nature of forging a medical certificate excludes the practical possibility of using a person lacking criminal responsibility as the immediate perpetrator. Accordingly, maintaining a clear distinction between spiritual perpetration in its narrow sense and the institution of the stronger cause than the perpetrator is both theoretically necessary and practically functional. Recognizing spiritual perpetration as an independent institution enables the legal system to impose an appropriate and proportionate penal response in cases where the individual’s role exceeds ordinary complicity but does not rise to the level of a dominant causal force. In this way, existing deficiencies in the punishment of accessories

within Iranian criminal law can be effectively addressed. In conclusion, this study conducted through descriptive, analytical, and comparative methods with reference to Lebanese law supports the view that spiritual (indirect) perpetration is a concept derived from customary and modern criminal law and should not be conflated with the jurisprudentially rooted institution of the stronger cause than the perpetrator. Preserving this distinction is essential for the theoretical coherence of criminal law and for enhancing the effectiveness of Iran's criminal policy in responding to complex forms of criminal conduct.

Keywords:

Spiritual (Indirect) Perpetration; Perpetrator; Stronger Cause than the Principal; Incitement; Complicity

